

عقلانیت اقتصادی برای جمع آوری دولتی زکات^۱

ظفر اقبال

مترجمان:

مهدی قلعه نوی^۲

ابوالفضل پاسبانی صومعه^۳

چکیده

این مقاله استدلال‌های جمع آوری دولتی زکات را با روشن کردن ویژگی منطق بازتوزیعی کالای عمومی مطرح می‌کند. سپس ظرفیت بالقوه زکات در رفع فقر در مقایسه با آن بخشی از پرداخت‌های انتقالی درآمد دولت آمریکا، که به طور خاص به فقرا پرداخت می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

داده‌های سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که متوسط پرداختی‌های آزمون شده حدود ۲/۵ درصد درآمد ملی ایالات متحده است که با حداقل (حد پایین) نرخ زکات برابر است. با اطمینان می‌توان استنباط کرد که ظرفیت بالقوه زکات به آن چه برخی منتقدین در گذشته مطرح کرده‌اند، محدود نیست.

واژگان کلیدی: کالای عمومی، پرداخت‌های انتقالی، ظرفیت بالقوه زکات، تأمین اجتماعی

طبقه بندی JEL : B50, H23

1 ECONOMIC RATIONALE FOR THE STATE COLLECTION OF ZAKAH

Zafar Iqbal, International Journal of Islamic Financial Services Vol. 2 No.1

Mehdi.gh39@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه سیستان و بلوچستان

a.pasebanism@gmail.com

۳. عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۱- مقدمه^۱

جمع آوری، بازتوزیع و ظرفیت بالقوه زکات به عنوان ابزاری برای کاهش فقر، توجه قابل ملاحظه ای را در ادبیات اقتصاد اسلامی به خود معطوف کرده است. در حقیقت، زکات یکی از نخستین ابزارهایی است که توسط متخصصان توسعه و مالیه عمومی مسلمان مورد بررسی واقع می شود.

مقاله ضیاءالدین احمد و همکاران (۱۹۸۳) شامل مباحث و تجزیه و تحلیل زکات به عنوان یک ابزار مالی است. منتخب مقالات منور اقبال (نگاه کنید به کتاب شناسی) که قبل از برگزاری کنفرانس بین المللی اقتصاد اسلامی در اسلام آباد در مارس ۱۹۸۳ ارائه شد، حاوی شرح و بررسی مفصلی از دامنه و جایگاه زکات در اقتصادی است که بر اساس اصول اخلاق اسلامی اداره می شود. ضیاءالدین احمد (۱۹۹۱) نشان می دهد که زکات به عنوان یک ابزار تأمین اجتماعی، بخشی از یک سیستم اسلامی گسترده و یکپارچه برای کاهش فقر و توزیع درآمد است. صادق (۱۹۹۴) یک بررسی اجمالی از ابعاد اقتصادی، حقوقی و مدیریتی ابزار زکات ارائه می دهد. شیرازی (۱۹۹۶) یک تجزیه و تحلیل فشرده اقتصادی پیرامون سهم سیستم زکات در کاهش فقر در پاکستان را بر عهده گرفت. او همچنین زمینه ساز یک ارزیابی انتقادی از مکانیسم جمع آوری و پرداخت زکات در پاکستان شد. کمک های بدیع عمر چپرا به علم اقتصاد اسلامی شامل نوشته های متعدد در زمینه زکات است. نجات الله صدیقی (۱۹۹۶) نیز در زمینه تعهد دولت به فراهم کردن نیازهای اساسی در یک اقتصاد اسلامی، نقش برجسته ای به زکات^۲ اختصاص می دهد.

بعد از تجزیه و تحلیل گسترده ای که در بالا ذکر شد و پوشش ابعاد مختلف مساله زکات، به نظر می رسد دامنه کوچکی برای طرح سؤالاتی اساسی مانند مزایای جمع آوری دولتی زکات وجود دارد. با این حال، این موضوع از زمانی به زمان دیگر [و از مکانی به مکان دیگر] متفاوت ظهور می کند و کارشناسان برجسته فقه اقتصاد اسلامی از جمع آوری دولتی در سرزمین های مذهبی دفاع کرده اند.

۱. لازم به توضیح است، هدف زکات در درجه اول به عنوان یک واجب دینی، کسب رضایت خداوند و تعالی روح انسانی است. علاوه بر این، اثرات اقتصادی جالب توجهی، از جمله پتانسیل بالای زکات در کاهش فقر، بر این فریضه الهی مترتب است. این مقاله سعی در ارائه منطق اقتصادی زکات داشته و جنبه دینی و الهی آن در اینجا چندان مورد بحث نیست.

۲. نصاب اول زکات برای مسکوکات دینار و درهم، به ترتیب ۲۰ دینار و ۲۰۰ درهم است. یعنی درآمدهای کمتر از این مقدار از زکات معاف اند. زکات حد یاد شده برابر با یک چهلیم یا ۲/۵ درصد است. بنابراین، حداقل نرخ زکات برای مسکوکات، به عبارتی درآمدهای پولی، برابر با ۲/۵ درصد می باشد.

در این مقاله به بررسی منطق و عقلانیت سکولار (غیر دینی) جمع آوری زکات می پردازیم. بدین منظور، استدلال پیشرفته اقتصادی در دفاع از توزیع مجدد در یک جامعه لیبرال دموکراتیک و ویژگی کالای عمومی که دخالت دولت را ضروری می سازد، به کار گرفته می شود.

۲- عقلانیت اقتصادی برای توزیع مجدد

آشر (1992: 335-346) پنج انگیزه و دلیل برای شمول توزیع مجدد در میان حداقل عملکردهای دولت در یک جامعه لیبرال را بر می شمرد. دو انگیزه اصلی، بخشیدن^۱ و ستاندن^۲ هستند. ستاندن به استفاده از قدرت رأی^۳ برای تغییر امتیازات ثروتمندان اشاره دارد. بخشیدن به تمایل ثروتمندان برای به اشتراک گذاری قسمتی از درآمد یا ثروتشان با فقرا اشاره دارد. بخشیدن را می توان به عنوان نوع دوستی^۴، تأمین اجتماعی^۵، پیشگیری از جرم و جنایت^۶ و یا حفظ جامعه لیبرال، به حساب آورد. در ذیل نمای کلی از تحقیق آشر را در مورد هر یک از چهار انگیزه برای "بخشیدن" ارائه می دهیم. تأکید بر جزئیات مدل سازی اقتصادی نیست بلکه بر دانشی است که از چنین مدل سازی نشئت می گیرد.

۲-۱- نوع دوستی

نوع دوستی نگرانی اصیل مرفهین برای رفاه افراد حاضر در سطوح پایین تر رفاه را در بر می گیرد. به لحاظ فنی، شکل تابع مطلوبیت یک نوع دوست، اثر معناداری بر انتخاب وی بین یک فعالیت خیریه خصوصی و استفاده از دولت به عنوان یک واسطه برای هدف دارد. اگر دادن یک مقدار خاص در مؤسسه خیریه مطلوبیت نوع دوست را فراهم سازد، لذا مؤسسه خیریه خصوصی برای او کافی است. با این حال، اگر چنانچه افزایش درآمد متوسط یک طبقه از مردم فقیر مطلوبیت یک نوع دوست را فراهم سازد، در این صورت او ترجیح خواهد داد که دولت از قدرت خودش در جمع آوری مالیات برای جذب سرمایه و کمک به فقرا استفاده کند. بر این اساس، انتظار می رود چنین نوع دوستی به نفع مدیریت دولتی توزیع مجدد رأی دهد.

۲-۲- تأمین اجتماعی

انگیزه تأمین اجتماعی برای توزیع مجدد، ناشی از عدم اطمینان ذاتی در مورد توانایی اولیه یا مستمر یک فرد برای حفظ شرایط زندگی بهتر است. چنین عدم اطمینانی ممکن است از علل مختلفی ناشی شود. بخشی از ریسک، از شانس تصادفی عقب مانده متولد شدن، یا در یک خانواده کمتر مرفه متولد شدن که قادر به حمایت آموزشی و پرورشی مناسب از فرزندان

1. giving

2. taking

3. Voting power

4. altruism

5. insurance

6. prevention of crime

نیست، ناشی می‌شود. برخی ریسک‌ها از ماهیت اقتصاد بازار ناشی می‌شود مانند از دست رفتن مهارت‌های کسب درآمد، شکست کسب و کار و پیش فرض‌های سرمایه گذاری دارایی‌ها یا پس‌اندازها و غیره. با این حال، دسته دیگری از ریسک‌ها ناشی از علل طبیعی مانند آتش سوزی، سیل و گردباد است. در نهایت، نا اطمینانی ممکن است از احتمال تصادفات سرچشمه بگیرد.

برخی از خطرات ذکر شده در بالا، مانند تصادف ماشین یا آتش سوزی خانه، می‌تواند از طریق بازار خصوصی بیمه شود. خطرات دیگر، مانند خطر فقر برای یک معلول یا یک بچه متولد شده در یک خانواده فقیر، نمی‌تواند بیمه شود. شکست بازار برای ارائه این نوع بیمه را می‌توان به دو عامل نسبت داد. اول، شرکت‌های بیمه نسبت به چشم انداز درآمدها برای معلول و بچه‌هایی با خانواده های فقیر، بدبین هستند. دوم، هر برنامه بیمه خصوصی در برابر فقر با مشکل "انتخاب عکس" مواجه است، یعنی جذب بیش از حد بسیاری از فقرا و ارائه پوشش خیلی کمتر خطرات از جانب ثروتمندان.

شکست بازارهای خصوصی در بیمه کردن برخی از انواع خطرات، به طور خاص فقر، این انگیزه را برای رأی دهندگان فراهم می‌کند تا در بخش عمومی به دنبال چنین بیمه‌هایی باشند. با این حال، بیمه کامل چنین ریسک‌هایی احتمالاً اثرات سوئی بر انگیزش‌های فرد شاغل در یک وضعیت ملال آور می‌گذارد. بر این اساس، گستره بحث بیمه، پوشش تنها بخشی از ریسک‌ها و از این رو برخی از شکل توزیع مجدد از طریق بخش عمومی را در بر می‌گیرد.

۲-۳- پیشگیری از جرم و جنایت

این بحث مبتنی بر این فرض است که فقر می‌تواند به طور بالقوه برخی از افراد را به دزدی [و این قبیل بزه‌کاری‌های اجتماعی] بکشانند در حالی که داشتن حد متوسطی از درآمد می‌تواند از چنین رفتارهایی جلوگیری کند. تحت این فرضیات، اگر هیچ بازتوزیعی وجود نداشته باشد، افزایش دزدی موجب اخلاص منابع ثروتمندان به صورت افزایش هزینه های حفاظت و هزینه های دستگیری و مجازات مجرمین خواهد شد. ممکن است به نفع ثروتمندان باشد که چنین هزینه های بالقوه ای را به سمت توزیع مجدد به انتظار کاهش جرم و جنایت انتقال دهند.

۲-۴- حفظ جامعه لیبرال

استدلال سیاسی برای توزیع مجدد در یک جامعه لیبرال، مبتنی بر زمینه‌هایی مشابه با زیربنای رفتار طبقه حاکم در یک جامعه استبدادی می‌باشد. همان گونه که مستبدان به دلیل ترس از شورش، استثمار ملت تحت حکومت خود را محدود کنند؛ ترس از رأی دهندگان فقیر سرخورده با در نظر گرفتن فسخ فراگیر چارچوب سیاسی لیبرال از طریق رأی به نفع انقلابیون می‌تواند دلیل آن باشد که ثروتمندان امتیازاتشان را از طریق توزیع مجدد محدود کنند.

آشر استدلال می‌کند که انگیزه‌های تشریح شده فوق در هر برنامه توزیع مجدد دولتی در غرب، با یک درجه کمتر یا بیشتر، مؤثرند، از بازنشستگی گرفته تا مزایای بیکاری، اگرچه یک یا چند انگیزه ممکن است در برنامه‌های خاصی برجسته تر باشند.

۳- جنبه کالای عمومی عقلانیت اقتصادی برای توزیع مجدد

سه انگیزه از مبحث ذکر شده در بالا- بیمه، بازدارندگی جرم و جنایت، و حفاظت از ساختار اجتماعی- از این مساله که بخشیدن یک ویژگی کالای عمومی دارد حمایت می‌کند. پل ساموئلسون (1954: 387) کالاهای مصرفی جمعی (کالاهای عمومی) را چنین تعریف می‌کند: «کالاهایی که همه از مصرف آن لذت مشترک می‌برند به این معنا که مصرف هر شخص از چنین کالایی به کاهش مصرف شخص دیگر از آن کالا منجر نمی‌شود». پل ساموئلسون (1954 & 1955) مبانی رسمی برای تجزیه و تحلیل کالاهای عمومی ارائه می‌دهد.

ادبیات اقتصادی متعارف کالاهای عمومی را به عنوان یک مانع بالقوه برای دستیابی به تخصیص کارا حتی در یک سیستم بازار کاملاً رقابتی معرفی می‌کند. دلیل این است که کالاهای عمومی در تابع مطلوبیت یک شخص در یک حالت خاص وارد می‌شود. برای یک کالای خصوصی فقط آن بخش از عرضه کل وارد تابع مطلوبیت فرد می‌شود که او به طور انحصاری مصرف می‌کند یا مطلوبیت کسب می‌کند، در حالی که برای یک کالای عمومی، از آنجا که همه اشخاص می‌توانند به طور همزمان یک سطح از کالای عمومی را برابر با عرضه آن مصرف کنند، عرضه کل به طور همزمان در تابع مطلوبیت فرد وارد می‌شود (Usher, 1992: 329).

تحقیق روی کالاهای عمومی به یک مساله حساس اشاره دارد که آشکار سازی دقیق ترجیحات فرد می‌تواند به عنوان پایه ای برای یافتن سطح تقاضای کل کالای عمومی و همچنین تخصیص هزینه‌های آن در میان همه مصرف کنندگان فردی به کار گرفته شود. اگر جیره بندی تأمین کالاهای عمومی از طریق سیستم قیمت ممکن باشد، چه بسا خانوارهای مختلف تصمیم به مصرف سطوح مختلف کالاهای عمومی بگیرند. عدم امکان استفاده از سیستم قیمت برای جیره بندی کالاهای عمومی، بدین معنی است که برای مصرف کننده عقلایی پرداخت داوطلبانه برای خدمات کالای عمومی در تطابق با ترجیحات واقعی‌اش، عدم سازگاری انگیزش‌ها وجود دارد. هر مصرف کننده انگیزه‌ای در جهت انتقال بار عرضه کالاهای عمومی به دیگران، با اعلام کمتر تقاضای واقعی‌اش برای کالا دارد. بی میلی افراد به مشارکت داوطلبانه در ارائه کالاهای عمومی و به جای آن، جستجو برای فرصت مشارکت در منافع این کالاهای رایگان، دلالت بر مساله سواری مجانی دارد (Stiglitz, 1998: 120-121).

رفتار سواری مجانی حداقل باعث دو نوع عدم کارایی می‌شود. اول، سمت عرضه بازار، که کالاهای عمومی در سطح پایین عرضه خواهد شد؛ چرا که بازار در برقراری هماهنگی بین منافع

خصوصی و اجتماعی با شکست مواجه می‌شود. دوم، آنچه در مورد رأی‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، در آشکارسازی ترجیحات برای پرداخت مالیات برای کمک‌های مالی کالاهای عمومی، نیز نتایج مشابهی ممکن است به دنبال داشته باشد. سیاستمداران ممکن است با مهار مالیات و دموکرات‌ها ممکن است با عرضه پایین کالاهای عمومی در مقایسه با تقاضای واقعی برای چنین خدماتی انتظار خرید رأی داشته باشند (Stretton & Orchard, 1994: 55).

دیدگاه انتخاب عمومی چالشی در نتایج ارتدوکسی فوق به دو روش ارائه می‌دهد. اول، با توجه به این امکان که منفعت سازمان یافته بار مالیاتی را به طوری انتقال می‌دهد که آن‌ها بار مالیاتی کمتر از سهم مشارکت‌شان، برای ارائه کالاهای عمومی پرداخت کنند، پس یک فرصت برای رانت جویی و چپاول در زمینه سیاسی وجود دارد (Jha, 1998: 136). دوم، کالاهای عمومی خالص کمیاب هستند. برای اکثر کالاهای ناخالص (در معرض ازدحام) مکانیسم خروج کالا را طوری می‌توان طراحی نمود تا منجر به کاهش نقش دولت و شبیه کارآیی بازار در ارایه آن‌ها شود.

جان کلام مباحث ارتدوکس در مورد کالای عمومی استدلال می‌کند که عقلانی بودن توزیع مجدد بدان جهت است که با واگذاری به بخش خصوصی، به دلیل تمایل به سواری مجانی، مؤسسات خیریه بیش از حد کوچک به وجود می‌آید. در نتیجه، استفاده از توان دولت برای جمع‌آوری مقادیر منطقی برای توزیع مجدد از طریق مالیات به منظور ایجاد تلاش ارزشمند (برای بخشیدن) به دلایل روشن شده در بالا، ضروری است. انتخاب عمومی به ادعای موضع ارتدوکس بر امکان ارائه بیش از حد تأکید دارد به گونه‌ای که گروه‌های ذی‌نفع خاص با انتقال بار مالیاتی به دیگران و منافع به خودشان، روند سیاسی را دست‌کاری می‌کنند.

۴- زکات، منطق توزیع مجدد، و جمع‌آوری دولتی

در نوع دوستی اسلامی، لیست بالا تحت عنوان عقلانیت برای امور خیریه مطرح می‌شود. نوع دوستی در اسلام، به طور همزمان نماد عملی تسلیم به احکام خداوند نیز می‌باشد. این [نوع دوستی] با فرض آنکه مطلوبیت یک مسلمان، ناشی از نگرانی حقیقی وی درباره فقر، تنها با پرداخت سهم خودش از زکات به اوج نخواهد رسید، عقلانی است. در عوض، در راستای اخلاق صحیح اسلامی، تابع مطلوبیت یک مسلمان به احتمال زیاد شامل نگرانی برای رفاه متوسط فقرا به عنوان یک گروه خواهد بود. در این حالت، به گونه‌ای که دان‌آشر استدلال می‌کند، جمع‌آوری دولتی خیرات البته از دیدگاه یک بخشنده^۱ ترجیح داده می‌شود. در ورود به عقلانیتی

1. giver

فراتر از نوع دوستی، برای بها دادن به این قبیل مدل سازی و استدلال پیشرفته توسط آشر، در پرتو این حدیث نبوی که فقر می تواند منجر به عمل انکار یا نفاق (کفر) شود، گستره ای وجود دارد. انکار در این معنا، می تواند به یک طیف وسیعی از اقداماتی شامل جرم و جنایت، بهره کشی از کودکان، هرزه نگاری، و فحشا- اعمالی که از مظاهر مکرر فقر در جهان مدرن شده- تفسیر شود. در تمامی موارد، استدلال کالای عمومی، یک نوع عقلانیت و منطق برای جمع آوری زکات فراهم می سازد.

با توجه به بحث انتخاب عمومی برای موارد رانت جویی از طریق انتقال بار مالیاتی، امکان جلوگیری، حداقل در مورد زکات، به صورت بار قابل اعمال بر انواع مختلف ثروت از پیش تعیین شده در کنار جمع آوری وجود دارد. با بهبود طراحی اداری و اجتهاد در اولویت بندی مخارج، با مراقبت از رأس [موارد] مخارج زکات که به خوبی مشخص شده اند، می توان نگرانی های انتخاب عمومی در کنار توزیع را مرتفع نمود. به طور خلاصه، خصوصیات نرخ زکات و رؤس مخارج آن، یک ویژگی بارز از برنامه فقرزدایی اسلام است که در صورت عملیاتی شدن از راه مکانیسم های اداری مناسب می توان مکانیسمی قدرتمند در برابر رانت جویی سیاسی ایجاد نمود.

در نهایت، دلایل قوی غیر اقتصادی برای جمع آوری دولتی زکات وجود دارد. در برخی کشورهای اسلامی با نرخ های سطح سواد پایین، تعصبات قومی و فرقه ای مانع دستیابی به درجاتی از انسجام ملی است که برای امنیت داخلی و اجماع ملی ضروری می باشد. در چنین شرایطی، اجازه جمع آوری و توزیع خصوصی زکات، به دلیل کشمکش و نزاع رهبران فرقه ها برای حفظ یا افزایش سهم زکاتشان به وسیله رقابت قوی در مورد مسائل بی اهمیت، می تواند به قطبی تر شدن جامعه منجر شود. به همین دلیل، خرج و صرف زکات می تواند تعصبی تبعیض آمیز و قوی به دنبال داشته باشد. جمع آوری دولتی، پتانسیل این قبیل انگیزه ها و منافع جناحی منحرف را کاهش می دهد. در مقابل استدلالی وجود دارد که جمع آوری دولتی می تواند به ابزاری برای دستیابی به اهداف مافوق اسلامی در پوشش اسلامی شود. می توان به جمال مالک (۱۹۹۵) به عنوان نمونه ای از این بحث اشاره کرد که خارج از محدوده این مقاله می باشد.

۵- ظرفیت بالقوه زکات در برابر انتقالی های دولتی هدفمند به فقرا در ایالات متحده

گاهی مطرح می شود که در مقایسه با حجم پرداخت های انتقالی درآمد در اقتصادهای غربی، ظرفیت بالقوه زکات بسیار محدود است. این استدلال نیاز به بررسی از دیدگاهی مناسب دارد. نخست، باید توجه داشت که در بخش قابل توجهی از پرداخت های انتقالی درآمد در غرب، فقرا

هدف قرار داده نمی‌شوند. به طوری که گوارتنی^۱ و استراپ^۲ خاطر نشان می‌کنند؛ در آمریکا «متوسط انتقالی‌های آزمون شده^۳، آن‌هایی که به سمت فقرا هدایت می‌شوند، تنها حدود یک-ششم کل پرداخت‌های انتقالی را تشکیل می‌دهند. درآمدهای آزمون نشده دلالت به پنج-ششم دیگر دارد و آن‌ها عموماً به سوی گروه‌هایی هدایت می‌شوند که یا به خوبی سازمان یافته‌اند یا به راحتی قابل شناسایی‌اند. گیرندگان این انتقالی‌ها درآمدهایی بالاتر از حد متوسط دارند. این نشان می‌دهد که مدل رانت جویی دولت نقش مهمی در جمع‌آوری انتقالی‌های درآمد ایفا می‌کند». برای مثال، حدود دو-سوم از ۱۵ میلیارد دلار یارانه مستقیم به کشاورزان در ایالات متحده در ۱۹۸۹ به آن‌هایی که فروش سالانه بیش از صد هزار دلار داشته‌اند، رسیده است. ممکن است ادعا شود که یارانه‌های کشاورزی به طور خاص ممکن است یک بعد بین‌المللی داشته باشند و «وابستگی» یا «استقلال» اقتصادهای جهان سوم را به عنوان انگیزه سیاسی ضمنی نمی‌توان رد کرد، اگر چه تحقیقات بیشتری در این زمینه نیاز است. به موضوع اصلی برگردیم. مجموع حجم انتقالی‌های درآمد، ۱۵/۲ [پانزده و دو دهم] درصد از درآمد ملی در ایالات متحده در ۱۹۹۰ بوده که تنها یک-ششم آن به سمت فقرا هدایت شده است (Gwartney & Stroup, 1992: 770)، بنابر این سهم انتقالی‌های فقرا از درآمد ملی ۲/۵ [دو و نیم] درصد می‌شود، که برابر نرخ حداقلی زکات می‌باشد. گوردون تولاک^۴ (1997: 98) با استفاده از پایه داده‌های متفاوت به این نتیجه رسید که «دولت رفاه یک دستگاه عظیم برای انتقال درآمد است، اما بخش عمده‌ای از آن برای کمک به افراد بسیار فقیر اختصاص داده نشده است». دامنه کوچکی برای شک و تردیدهای قابل قبول در مورد نرخ زکات بر اساس این قبیل شواهد تجربی وجود دارد.

نکته دوم که در این زمینه باید در نظر داشت آن است که ساختار و شیوه کار اجرایی سیستم پولی و بانکی، یک نقش پس زمینه‌ای مهم در انتخاب برندگان و بازندگان در یک اقتصاد خصوصی ایفا می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که در حال حاضر سیستم مالی غالب یک سوگیری سیستماتیک علیه بازیگران [اقتصادی] کوچک و به نفع کسب و کارهای بزرگ دارد. چنین سیستمی ممکن است نیاز به انتقال‌های قابل ملاحظه‌ای برای دفع «شورش دهقانان» داشته باشد. وقتی ما ظرفیت بالقوه برای زکات را با اشاره به سیستم رفاهی غرب معیار قرار می‌دهیم، به طور حتم دو [اقتصاد] مشابه را مقایسه نمی‌کنیم. تداوم و تشدید در انجام پژوهش‌هایی در توسعه مدل‌های جایگزین سیستم پولی و بانکی، که سوگیری القا شده

1. Gwartney

2. Stroup

3. means-tested transfers

4. Gordon Tullock

مصنوعی به نفع مرفهین در معماری مالی غالب فعلی را نداشته باشد، الزامی است.

۶- معافیت‌ها تضعیف‌کننده زکات

شیرازی (۱۹۹۶) اشاره می‌کند که یک مشکل برجسته با توجه به جمع‌آوری زکات در پاکستان، معافیت‌های مجاز توسط حکومت بوده است که بهره‌برداری کامل از ظرفیت بالقوه زکات به عنوان ابزاری برای کاهش فقر را محدود می‌کند. می‌توان استدلال کرد که تا آنجا که این معافیت‌ها به گروه‌های خاصی داده شود، آن‌ها عقلانیت غیر اقتصادی برای جمع‌آوری دولتی زکات را تضعیف می‌کنند. با این حال، راه‌چنین مشکلی کاملاً ساده است. در جهت بهبود جمع‌آوری در سطحی وسیع‌تر، یک مالیات کاهنده فقر غیر دینی مکمل - ارزیابی شده به همان شیوه زکات - می‌تواند بر تمام کسانی که معاف از پرداخت زکات هستند از جمله غیر مسلمانان، وضع شود. این نه تنها هماهنگ با اصل شناخته شده عدالت افقی در مالیات ستانی است بلکه موجب نجات دولت از غرقه شدن در فقه پیچیده و مرداب‌های سیاسی می‌شود.

۷- نتیجه‌گیری

این مقاله استدلال‌هایی از تئوری اقتصادی به نفع متمرکز کردن جمع‌آوری زکات معرفی نمود. عقلانیت اقتصادی با دلایل غیر اقتصادی برای جمع‌آوری دولتی زکات تکمیل شده است. در این جا استدلال‌های پیشرفته، پایه‌های اقتصاد خرد برای اولویت‌های مذهبی (فقهی) تفویض اختیار مسئولیت جمع‌آوری زکات به دولت ارائه شده است. به عنوان یک مساله جانبی، برخی شواهد تجربی ارائه شده‌اند تا نشان دهند که اشکال‌گیری از ظرفیت بالقوه زکات نابجاست. لازم است در رابطه با سیستم سیاسی، اقتصادی و مالی غالب بازنگری شود.

منابع و مأخذ

- Ahmed, Ziauddin (1991) Islam, Poverty and Income Distribution; Leicester, U.K: The Islamic Foundation.
- Ahmed, Ziauddin, Iqbal, Munawar and Khan, Fahim M. (1983) Fiscal Policy and Resource Allocation in Islam; Islamabad: International Institute of Islamic Economics, International Islamic University.
- Chapra, Umer (2000) The Future of Economics: An Islamic Perspective; Leicester, U.K: The Islamic Foundation.
- Chapra, Umer (1993) Islam and Economic Development; Islamabad: IIIT and Islamic Research Institute.
- Chapra, Umer (1985) Towards a Just Monetary System; Leicester, U.K: The Islamic Foundation.
- Gwartney, James D. and Stroup, Richard L. (1992) Economics: Private and Public Choice; Orlando, Florida: The Dryden Press.
- Iqbal, Munawar Ed. (1997) Distributive Justice and Need Fulfilment in an Islamic Economy; Islamabad: International Institute of Islamic Economics, International Islamic University.
- Jha, Raghbendra (1998) Modern Public Economics; London: Routledge.
- Sadeq, Abu Al-Hasan (1994) A Survey of the Institution of Zakah: Issues, Theories and Administration; Jeddah: IRTI, Islamic Development Bank.
- Samuelson, Paul A. (1954) The Pure Theory of Public Expenditure; Review of Economics and Statistics, xxxvi (4) , November: 387-89.
- Samuelson, Paul A. (1955) A Diagrammatic Exposition of a Theory of Public Expenditure; Review of Economics and Statistics, 37: 350-6.
- Shirazi, Nasim Shah (1996) System of Zakat in Pakistan: An Appraisal; Islamabad: International Institute of Islamic Economics, International Islamic University.
- Siddiqi, Nejatullah (1996) Role of the State in the Economy: An Islamic Perspective; Leicester, U.K: The Islamic Foundation.
- Stiglitz, Joseph E. (1988) Economics of the Public Sector; New York: W.W. Norton & Company.
- Stretton, Hugh and Orchard, Lionel (1994) Public Goods, Public Enterprise, Public Choice: Theoretical Foundations of the Contemporary Attack on Government; New York: St. Martin's Press, Inc.
- Tullock, Gordon (1997) Economics of Income Redistribution; Massachusetts: Kluwer Academic Publishers Group.
- Malik, Jamal (1998) Colonisation of Islam: Dissolution of Traditional Institutions in Pakistan; New Dehli: Manohar.
- Usher, Dan (1992) The Welfare Economics of Markets, Voting and Predation; Manchester, UK: Manchester University Press.